



رتبه دهم آذربایجان شرقی از نظر سرمایه اجتماعی در کشور/ اختلاف طبقاتی و نابرابری‌های اجتماعی عامل از بین رفتن سرمایه اجتماعی

در سال‌های اخیر اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع، مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است و در دنیای مدرن امروز یکی از شاخص‌های اساسی توسعه همین سرمایه اجتماعی است.

در سال‌های اخیر اهمیت و نقش سرمایه اجتماعی در روند توسعه جوامع، مورد توجه بسیاری از اقتصاددانان و جامعه‌شناسان قرار گرفته است و در دنیای مدرن امروز یکی از شاخص‌های اساسی توسعه همین سرمایه اجتماعی است.

به گزارش خبرگزاری فارس از تبریز، سرمایه اجتماعی یا بعد معنوی یک اجتماع، میراثی تاریخی است که از طریق تشویق افراد به همکاری و مشارکت در تعاملات اجتماعی، قادر است بسیاری از معضلات موجود در آن جامعه را حل کرده و حرکت به سوی رشد و توسعه شتابان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی را امکان پذیر سازد.

در واقع، سرمایه اجتماعی را می‌توان در کنار سرمایه‌های اقتصادی و انسانی، بخشی از ثروت ملی به حساب آورد که بستر مناسبی برای بهره‌برداری از سرمایه انسانی و فیزیکی و راهی برای نیل به موفقیت قلمداد می‌شود.

بدون سرمایه اجتماعی، هیچ اجتماعی به هیچ سرمایه‌ای نمی‌رسد، به طوریکه بسیاری از گروه‌ها، سازمان‌ها و جوامع انسانی، بدون سرمایه اقتصادی و صرفاً با تکیه بر سرمایه انسانی و اجتماعی توانسته‌اند به موفقیت دست یابند اما هیچ مجموعه انسانی، بدون سرمایه اجتماعی نمی‌تواند اقدامات مفید و هدفمندی انجام دهد. به منظور آشنایی بیشتر با مفهوم سرمایه اجتماعی و ارتباط آن با وضعیت اقتصادی استان آذربایجان شرقی و کل کشور، با همکاری‌های صمیمانه سازمان مدیریت و برنامه ریزی استان، میزگردی با حضور جمعی از اساتید و صاحب نظران این حوزه ترتیب داده‌ایم.

«دکتر محمد حریری اکبری»، جامعه‌شناس و استاد بازنشسته علوم اجتماعی دانشگاه تبریز، «سعید جلالی»، مشاور اجتماعی استاندار آذربایجان شرقی، خیر مدرسه‌ای و مؤسس NGO های متعدد در زمینه‌های علمی، فرهنگی و اجتماعی به ویژه اشتغال زنان بی سرپرست، «دکتر مهستی علیزاده»، عضو هیات علمی و رئیس اداره مؤلفه‌های مؤثر بر سلامت دانشگاه علوم پزشکی تبریز و «دکتر کمال کوهی» دانشیار و عضو هیات علمی مؤسسه تحقیقات اجتماعی دانشگاه تبریز در این میزگرد شرکت و نکته‌نظرات خود را در این رابطه اعلام کردند. متن تنظیم شده این میزگرد 2 ساعته تقدیم خوانندگان محترم می‌شود.

****محتوای سرمایه اجتماعی در سه واژه ربط، اعتماد و رفاه خلاصه می‌شود**

فارس: لطفاً در ابتدای بحث به تعریف سرمایه اجتماعی و وضعیت این دارایی در جامعه بپردازید.

***حریری:**

متأسفانه مفهوم سرمایه اجتماعی بسیار نارسا و تقریباً تعریف ناپذیر است. البته چندین اندیشمند در این خصوص تعاریفی ارائه کرده‌اند.

از لحاظ زمانی، تا پایان جنگ جهانی دوم کشورهای اروپایی در تعریف سرمایه اجتماعی پیشرو بودند و سابقه آن را می‌توان در قرن ۱۷ پیدا کرد.

یک اندیشمند در تعریفی کاپیتالیستی سرمایه اجتماعی را سرمایه‌گذاری در روابط اجتماعی با نیت بازگشت سود تعریف می‌کند که محتوای آن در سه واژه ربط، اعتماد و رفاه خلاصه می‌شود.

وقتی اعتماد نباشد سرمایه اجتماعی نیز نخواهد بود. پس از آن جان دیویی در کتاب «مدرسه و اجتماع» از واژه سرمایه اجتماعی استفاده نموده ولی همچنان تعریف مشخصی از سرمایه اجتماعی ارائه نکرده است.

رابرت پاتنام جامعه‌شناس بریتانیایی در کتاب «بولینگ تک shy& نقره» جامعه آمریکا را که تفکرات کاپیتالیستی در آن جریان دارد مورد بررسی قرار داده است.

انسان در این جامعه چه در حوزه آموزش و چه در حوزه کار و زندگی فردمحور است و این امر باعث از بین رفتن پیوند اجتماعی و به سبب آن فروپاشی سرمایه اجتماعی می‌شود.

بسیاری از اندیشمندان به این نتیجه رسیده‌اند که «اعتماد» ملات سرمایه اجتماعی است. تمام تحلیل shy& گران و دانشمندان پس از پاتنام بر این اشتراک نظر بوده shy& اند که برای تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه باید ارتباط ایجاد کرد که «اعتماد» ملات این ارتباطات اجتماعی است.

اگر بخواهیم اشکال سرمایه اجتماعی را نیز بررسی کنیم، باید در نظر داشته باشیم بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی مرز مشخصی وجود ندارد و هر فرد با توجه به تربیت خانوادگی اش می‌تواند به میزان مشخصی اعتماد کند و ریسک پذیر باشد.

از منظر دیگر دو نوع سرمایه اجتماعی «درون گروهی» و «پیوندی» قابل تعریف هستند. سرمایه اجتماعی درون گروهی

در رابطه های فامیلی و خویشاوندی؛ های نسبی مطرح است و سرمایه اجتماعی پیوند رابطه های سببی را شامل می شود.

در مجموع هر فرد زمانی که با استفاده از پیوندهای خانوادگی، خویشاوندی و افراد اجتماع ربط، اعتماد و رفاه را به دست بیاورد دارای سرمایه اجتماعی می‌باشد.

سکون در سرمایه اجتماعی به منزله سکون ارزش های اجتماعی است ***جلالی:**

تأثیرات کاربرد سرمایه اجتماعی بعد از جنگ جهانی دوم با شیب ملایم اوج گرفته است و بعد از جهانی شدن در پایان قرن بیستم به این امر اهمیت داده اند.

تعریف مشخصی از سرمایه اجتماعی در دست نیست، ولی سرمایه اجتماعی در بستر دموکراسی ظهور و بروز می یابد و اگر دموکراسی نباشد هر کسی با اختیار خود سرمایه اجتماعی را تعریف و تفسیر خواهد کرد ولی در یک تعریف مشخص سرمایه اجتماعی دارای سه مؤلفه و عناصر کلیدی است.

الف: اعتماد اجتماعی ب: مشارکت اجتماعی ج: انسجام اجتماعی

متأسفانه در کشور ما سرمایه اجتماعی بیشتر در اتفاقات سیاسی مثل انتخابات کاربرد دارد. در حالی که اصلی ترین کاربرد سرمایه اجتماعی در توسعه متوازن است.

در جامعه ما توسعه متوازن در موضوعات اقتصادی، سیاسی، علمی، فرهنگی، اجتماعی و غیره از انسجام لازم برخوردار نیست.

سرمایه اجتماعی زمانی موفق عمل خواهد کرد که حضور مستمر داشته باشد. سکون در سرمایه اجتماعی به منزله سقوط ارزش های اجتماعی است.

***کوهی:**

تاریخچه وجود سرمایه اجتماعی همزاد با تاریخچه زندگی گروهی انسان هاست. از زمانی که جامعه تشکیل یافت و مردم کنار هم زندگی کردند، سرمایه اجتماعی نیز پدید آمد. زندگی گروهی حاصل همکاری در جهت رفع نیازهای یکدیگر بوده است.

تعریفی که بانک جهانی از سرمایه اجتماعی اعلام کرده این است که سرمایه اجتماعی نتیجه تاثیر نهادهای اجتماعی، روابط انسانی و هنجارها بر روی کمیت و کیفیت تعاملات اجتماعی است. بنابراین مؤلفه ای که در تعریف سرمایه اجتماعی از نظر بانک جهانی مهم است، تعاملات اجتماعی است.

فرانسیس فوکویاما در تعریف این مفهوم، از وجود هنجارها و ارزش ها سخن می گوید. او معتقد است که سرمایه اجتماعی همان هنجارهای غیررسمی است و هنجارهایی که به نوعی حالت دستوری دارند (باید سرمایه اجتماعی ایجاد کرد) مخل سرمایه اجتماعی هستند.

در سرمایه اجتماعی باید صداقت، اعتماد و وفاداری وجود داشته باشد. چون سرمایه اجتماعی حاصل تعامل، مشارکت و اعتماد است، کنش متقابل اجتماعی داوطلبانه منشأ اصلی زایش سرمایه اجتماعی خواهد بود.

فوکویاما هنجارهای اجتماعی را به دو دسته مولد و غیرمولد تقسیم کرده است. هنجارهای مولد سرمایه اجتماعی مثل همکاری، تعهد و صداقت. هنجارهای غیرمولد مانند عدم صداقت، عدم اعتماد، عدم تعهد از هنجارهای غیرمولد هستند که منجر به فرسایش سرمایه اجتماعی می شوند.

به نظر ناهاپیت و گوشال (1998)، سرمایه اجتماعی به منزله مجموعه ای از منابع بالقوه و بالفعلی است که در شبکه روابطی که افراد دارند وجود داشته قابل دسترسی است و از آن مشتق می شود. ناهاپیت و گوشال سرمایه اجتماعی را به ابعاد مختلف نظیر بعد ساختاری، بعد رابطه ای و بعد شناختی تقسیم بندی کردند.

بعد شناختی (Cognitive) سرمایه اجتماعی دربرگیرنده ارزش ها و فرهنگ مشترک، دیدگاه و زبان مشترک، احساس تعهد مدنی، بعد رابطه ای (Relational) عموماً به اعتماد فردی، تعمیم یافته، کنش متقابل و همبستگی و بعد ساختاری (Structural) نیز به شبکه روابط، سازمان ها، انجمن ها، نقش ها و قوانین اشاره دارد.

برخی مقیاس ها برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی در دست است. مثلاً با اندازه گیری میزان اعتماد، مشارکت، شبکه روابط در جامعه می توان تا حدودی به میزان سرمایه اجتماعی دست یافت.

مقیاس های مختلفی برای اندازه گیری سرمایه اجتماعی در جامعه وجود دارد، با این حال مؤلفه های سرمایه اجتماعی آنقدر وسیع است که نمی توان به طور دقیق آن را اندازه گرفت. برای ارزیابی وضعیت سرمایه اجتماعی در کشور و در استان پیشنهاد می شود محققان از ابزار واحدی استفاده کنند تا در آینده بتوانند میزان سرمایه اجتماعی را مثلاً با دو سال گذشته مقایسه کرده و روند حاکم بر آن را مشخص کنند.

یکی از شاخص های مهم و غیرمستقیم در تعیین وضعیت سرمایه اجتماعی در جامعه، میزان شیوع آسیب های اجتماعی در جامعه است.

زمانی که آسیب های اجتماعی در جامعه ای افزایش یابد، نشان دهنده این است که سرمایه اجتماعی در آن جامعه به تدریج دچار فرسایش خواهد شد. در جامعه ما هم وضعیت چندین آسیب عمده مانند طلاق، اعتیاد به مواد مخدر، بی بندوباری اخلاقی و اختلافات خانوادگی نشان می دهد سرمایه اجتماعی هم در خانواده و هم در جامعه دچار مشکل

است.

آسیب های اجتماعی با سرمایه های اجتماعی رابطه معکوس دارد و هر چه آسیب اجتماعی زیاد باشد سرمایه اجتماعی کاهش می یابد.

مطالعات نشان می دهد روند حاکم بر وضعیت سرمایه اجتماعی در استان آذربایجان شرقی دارای شیب ملایم نزولی است.

اما وضعیت سرمایه اجتماعی استان آذربایجان شرقی در مقایسه با کل کشور در سطح متوسط به بالا قرار دارد. برخی از اتفاقاتی که در جامعه رخ می دهد تخریب کننده سرمایه اجتماعی است.

در 10 سال گذشته فسادهای اقتصادی که در سطح کشور رخ داده و افشاگری هایی که در این خصوص در فضای مجازی انجام می گیرد؛ شود سرمایه اجتماعی را به شدت تخریب کرده است.

****رتبه دهم آذربایجان شرقی از نظر سرمایه اجتماعی در کشور**

***علی زاده:**

با توجه به تعاریفی که دوستان از سرمایه اجتماعی ارائه کردند بنده از توضیح بیشتر در این مورد خودداری می کنم، اما در ارتباط با وضعیت سرمایه اجتماعی در استان باید بگویم طبق مطالعات انجام گرفته و بر اساس آمار طلاق، خودکشی، امید به زندگی و فرار مالیاتی، استان آذربایجان شرقی رتبه دهم را از نظر سرمایه اجتماعی در کشور دارد.

فارس: سرمایه اجتماعی چه تاثیری در ارتقاء صنعت، تولید و ایجاد ارزش افزوده می تواند داشته باشد؟

***حریری:**

اگر به صورت تئوری بیان کنیم، می توان گفت سرمایه اجتماعی در تولید و توسعه اقتصادی تاثیر مثبت دارد. اگر سرمایه اجتماعی نباشد تولید از بین می رود. تا زمانی که ارزش های اجتماعی عموم مردم را تقویت نکنیم سرمایه اجتماعی افزایش نمی یابد و با تحمیل و دستور نمی توان سرمایه اجتماعی را پدید آورد، بلکه با کار فرهنگی سرمایه اجتماعی حاصل می شود؛ توسعه نیز در گرو توسعه فرهنگی است. بین سرمایه فرهنگی، انسانی و اجتماعی خط و مرز معینی وجود ندارد.

توسعه پایدار و متوازن اگر اجرایی شود، فرهنگ توسعه می یابد و اساس سرمایه اجتماعی اعتماد است. لازمه تشکیل سرمایه اجتماعی وجود اعتماد در جامعه است.

تا زمانی که اعتماد نباشد تک تک افراد جامعه به فکر منافع فردی خود خواهند بود و برای رسیدن به این منافع حتی حاضر به تخریب منافع دیگران نیز می شوند؛ و با وجود چنین شرایطی هیچ واحد تولیدی و صنعتی پیشرفت نخواهد کرد.

***جلالی:**

در بنگاه های تجاری و صنعتی دو مؤلفه وجود دارد. در مورد اول ممکن است با تأمین سود فرد یا سازمان به سمت فردگرایی سوق یابد، اما دومین مورد به این اشاره دارد که در جامعه توسعه یافته تأمین انفرادی به سمت تأمین اجتماعی برود.

بنگاه های تولیدی ثمری نمی دهند مگر اینکه جامعه هدف از ملت در ابعاد بزرگ تا خانواده در ابعاد کوچک به سمت تأمین سود اجتماعی یا همان رضایتمندی عموم حرکت کند.

در حال حاضر دولت طرحی را به نام پول و چرخانی برای حمایت از واحدهای تولیدی اجرایی می کند که متأسفانه بعضاً شاهد هستیم واحدهای تولیدی در این طرح به سمت فردگرایی و حرکت های انفرادی می روند و در نتیجه آن پدیده ای به نام نوکیسه گان به وجود آمده است.

در واقع حمایت از بنگاه های تولیدی به صورت انحصاری به سمت تأمین نفع و رضایتمندی عموم هدایت نمی شود و بالندگی سرمایه اجتماعی پدید نمی آید.

****باج گیری از سرمایه گذاران و سوء استفاده از موقعیت در برخی از ادارات!**

***کوهی:**

در سال 1390 تحقیقی در خصوص مهاجرت سرمایه گذاران از آذربایجان شرقی انجام دادیم. در مصاحبه های این تحقیق، سرمایه گذاران دلیل اصلی گرایش به مهاجرت از استان را استانداردهای دو گانه مطرح می کردند و می گفتند سیستم اداری ما دچار بیماری های مزمنی است و زمانی که ما برای انجام امور سرمایه گذاری به ادارات مراجعه می کنیم عده ای به فکر باج گیری از سرمایه گذاران و سوء استفاده از موقعیت خود می افتند که این امر به سرمایه اجتماعی لطمه می زند.

برخی از وزارتخانه های کشور وضعیت بهتری دارند، چرا که از سرمایه اجتماعی درون گروهی خوبی برخوردارند و این سرمایه درون و گروهی منجر به رشد اقتصادی آنها شده است.

در جایی که سرمایه اجتماعی بالا باشد زمینه برای رشد خلاقیت ها فراهم می شود و هزینه مدیریت کاهش می یابد و مدیر می تواند به راحتی کارکنان و کارگران خود را اداره کند، در نتیجه بهره وری بنگاه ها بیشتر و رشد اقتصادی حاصل می شود.

سرمایه اجتماعی از طریق تاثیر بر گردش اطلاعات و جلوگیری از شکست بازار، تسهیل ابداعات، خلاقیت ها و نوآوری

ها، توسعه ملی، نابرابری و توزیع درآمد، سطح امنیت جامعه و مصرف جمعی می تواند عملکرد و رشد اقتصادی تحت شعاع قرار دهد.

همچنین سرمایه اجتماعی از طریق تسهیل تأمین مالی برنامه ها و سرمایه گذاری ها و عقد قراردادهای و در نتیجه امکان حمایت از خلاقیت ها و رشد فن آوری در بخش های سه گانه فعالیت اقتصادی، کاهش آسیب های اقتصادی و اجتماعی در دوران رکود برای شرکت ها و افراد آسیب پذیر و اهتمام به توازن اجتماعی، کاهش فساد مالی و اقتصادی از طریق خود کنترلی بر فعالیت ها و عملکردها و افزایش رقابت اقتصادی از طریق فرهنگ و انگیزه شکل گیری گروه ها و شرکت های اقتصادی و زمینه انتقال تجارب به شرکت ها و افراد دیگر می تواند در ارتقاء نرخ تولید و بهره وری مؤثر واقع گردد. یک مثلث با سه رأس جامعه مدنی، بخش خصوصی و دولت را در نظر بگیریم، اگر دولت در این مثلث نقش نظارتی خوبی داشته باشد و از سرمایه اجتماعی صیانت و جامعه مدنی نیز در جهت تقویت سرمایه اجتماعی حرکت کند، بخش خصوصی عملکرد خوبی خواهد داشت و رشد اقتصادی حاصل خواهد شد.

اگر اعتمادسازی شود به مرور زمان سرمایه اجتماعی افزایش می یابد. اگر سرمایه اجتماعی در واحد تولیدی بالا باشد سلامت روانی کارکنان نیز بهتر خواهد بود و اگر سلامت روانی کارکنان تأمین باشد آنها عملکرد مطلوبی خواهند داشت.

فارس: خانم دکتر علیزاده با توجه به اینکه جنابعالی در حیطه سلامت فعالیت دارید لطفاً بفرمایید سرمایه اجتماعی در سلامت و بهداشت جامعه چه جایگاهی می تواند داشته باشد؟
***علیزاده:**

سلامت تعریف خاص و ابعاد خاصی دارد و سلامت اجتماعی یک فرد در کیفیت رابطه وی با جامعه و دیگران تعیین کننده است.

سرمایه اجتماعی بخشی از سلامت اجتماعی است. مطالعات مختلف در علوم سلامت نشان داده که ارتباط مستقیمی بین سرمایه اجتماعی، سلامت جسمی و روحی فرد وجود دارد.

در واقع کاهش روابط اجتماعی باعث افزایش آسیب های اجتماعی و آسیب های اجتماعی نیز زمینه ساز مشکلات جسمی و روانی فرد می شود.

ایجاد مشکل در سرمایه های اجتماعی و نبود اعتماد بین روابط، منجر به از بین رفتن مهارت سازگاری در افراد می شود که در این صورت فرد نخواهد توانست در مقابل مشکلات اجتماعی تصمیم درستی بگیرد.

ارتباط مستقیمی بین مشکلات روانی فرد و کم بودن سرمایه اجتماعی فرد وجود دارد. مطالعات نشان داده افرادی که سرمایه اجتماعی پایینی دارند دچار مشکلات و بیماری های جسمی و روحی می شوند.

کاهش سرمایه اجتماعی در زندگی فرد، خانواده، جامعه و در نتیجه در اقتصاد جامعه نیز تاثیر منفی می گذارد. مطالعاتی که در شهرستان های مختلف استان در خصوص تاثیر سرمایه اجتماعی در حوزه سلامت اجتماعی انجام یافته

نشان می دهد در شهرستان های کوچک و بزرگتر سرمایه اجتماعی نسبت به شهرهای بزرگتر بیشتر بوده است. اکنون یکی از مشکلات ما در کلان شهرها به خصوص تبریز جمعیت قابل توجه حاشیه نشین و به تبع آن کاهش سرمایه اجتماعی است. معمولاً همبستگی بسیار کمی بین افرادی که در مناطق حاشیه نشین زندگی می کنند، وجود دارد چرا که تفاوت ها خیلی زیاد است.

فارس: در مورد نقش دولت در تقویت و یا تضعیف سرمایه اجتماعی صحبت کنید.
***حریری:**

دولت نیازمند سیاست های فرهنگی برای اعتمادسازی بین مردم برای افزایش سرمایه اجتماعی است. توسعه جوامع در گرو تعالی انسان است و این امر نیز زمانی محقق می شود که شاخصه های چون صداقت، وجدان کاری، اعتماد، یکرنگی و... که از مؤلفه های اصلی سرمایه اجتماعی هستند در جامعه وجود داشته باشد. اتخاذ سیاست های فرهنگی متناسب می تواند یاریگر جامعه در راستای رسیدن به این اهداف باشد.

***علیزاده:**

یکی از عوامل موفقیت در افزایش سرمایه اجتماعی، ایجاد اعتماد پایدار بین دولت و مردم است. فضای مشارکت عمومی باید از سوی دولت برای مردم ایجاد شود و دموکراسی یکی از دلایل افزایش سرمایه اجتماعی است.

در کشورهای در حال توسعه و توسعه نیافته اعتماد بین دولت و مردم زیاد نیست و در نتیجه سرمایه اجتماعی کمتر است، اما در کشورهای مثل کانادا، آلمان، انگلستان و ژاپن که از نظر اقتصادی کشورهای مرفه و پیشرفته ای به شمار می روند مشارکت عمومی و اعتماد ملت به دولت بسیار بالاست.

در این کشورها ارتباطات چندان مستحکمی بین خانواده ها نیست، با این حال ارتباط تنگاتنگی بین مردم و دولت وجود دارد.

****عدم ارائه گزارش عملکرد شفاف دولت اولین گام در جهت تخریب سرمایه اجتماعی**
***جلالی:**

در جامعه توسعه یافته دولت باید سرمایه اجتماعی را رصد کند چنانچه سرمایه اجتماعی حرکات و منویات دولت را زیر نظر دارد بخش هایی از حاکمیت تاثیر مستقیمی در سرنوشت جامعه دارد.

بعضاً تعدادی از دستگاه های دولتی اطلاع دقیق و گزارشی از عملکرد خود به مردم نمی دهند که این اولین گام در جهت تخریب و کاهش قدرت سرمایه اجتماعی است. باید در خصوص عملکرد این بخش ها شفاف سازی شود. در دنیا ارزیابی تأثیرات اجتماعی در عملکرد بخش های مختلف بسیار مهم است و زمانی که این امر در جامعه وجود نداشته باشد مشکلاتی چون رانت خواری در جامعه افزایش یافته و سرمایه اجتماعی مختل می شود و در نتیجه توسعه حاصل نمی شود.

باید در تصمیم گیری ها برای مردم شفاف سازی شود تا پدیده فردگرایی رواج نیابد و نفع خصوصی بر نفع عمومی ارجحیت نداشته باشد.

سرمایه اجتماعی را نمی توان فقط صرف انتخابات و ایام خاص کرد، این ظرفیت باید در بستر دموکراسی اجرایی شود. به نظر می رسد در جامعه ما اعتماد متقابل بین حاکمیت و لایه های اجتماعی پررنگ نیست، بنابراین کم کم امید اجتماعی کاهش یافته و اعتماد عموم به دلیل معضلاتی مثل فساد مالی کمتر می شود. اگر بخواهیم حضور مستمر سرمایه اجتماعی که تأمین اجتماعی و انسجام اجتماعی را در پی دارد در جامعه باشد، باید حاکمیت نسبت به مسئله اعتمادسازی حساس باشد.

***کوهی:**

«هابرماس» معتقد است زمانی که نظام اجتماعی یعنی جامعه و نهادهای آن، نظام حیاتی (یعنی کنشگران) را استثمار کند و روابط نامتقارن باشد، توسعه رخ نخواهد داد و در نتیجه سرمایه اجتماعی از بین می رود. اگر روابط بین دولت و مردم در حالت برابری باشد و مسئولان خود را از مردم بدانند اعتمادسازی می شود. مردمی بودن دولت باعث تقویت سرمایه اجتماعی است، اما اگر دولت مردم را نادیده بگیرد سرمایه اجتماعی تخریب خواهد شد.

رعایت حقوق شهروندی نیز باعث افزایش سرمایه اجتماعی می شود. توجه به علوم انسانی از سوی نهادهای مختلف می تواند زمینه را برای افزایش سرمایه اجتماعی فراهم کند.

****ریشه شکست در تشکیل سرمایه اجتماعی، نابرابری است**

فارس: تشکل ها و NGOها به چه صورت می توانند در تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر باشند؟

***حریری:**

محرومیت، بیگانگی، توقعات بیش از حد از گروه و محدودیت آزادی فردی باعث تضعیف سرمایه اجتماعی می شود. اگر تشکل ها دنبال توسعه و افزایش سرمایه اجتماعی هستند، باید به دنبال کاهش نابرابری در جامعه باشند. ریشه شکست در تشکیل سرمایه اجتماعی، نابرابری است. نابرابری های عقیدتی و نابرابری بین طبقات مختلف جامعه منجر به کاهش سرمایه اجتماعی می شود و حرکت به سوی کاهش نابرابری می تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کند.

همچنین دولت باید در حوزه صدور مجوز فعالیت برای نهاد shy&های غیر shy&دولتی از اعمال سلیقه اجتناب کند تا تمام اقشار مردمی چه در جناح موافق دولت و چه جناح مخالف بتوانند در فرصت shy&های برابر فعالیت کنند. ایجاد فرصت های برابر برای تمام نهادهای غیردولتی و اجتماعی مسبب رشد و تعالی فکری و فرهنگی اجتماع می شود و پیرو آن باعث تقویت سرمایه اجتماعی در بین مردم خواهد شد.

***جلالی:**

اگر بخواهیم سرمایه اجتماعی از طریق تشکل ها تقویت شود، باید تشکل ها را توانمند کنیم. تشکلی که توسعه محور نیست و به نفع مردم فعالیت نمی کند و نمی تواند سرمایه اجتماعی را تقویت کند. تشکلی موفق است که در حوزه مربوط به خود به توانمندسازی بپردازد.

در برخی مواقع تشکل هایی ایجاد می شوند که مبنای فعالیت آنها احساسی است و می خواهند با تحت تأثیر قرار دادن عواطف مردم پولی جذب کنند که کارآمدی چندانی ندارند و در ادامه توزیع فقر نسلی پدید می آید.

دولت نیز برای بهره وری از سرمایه اجتماعی باید با تشکل ها مشورت کرده و به توانمندی آنان اعتماد کند و این تعامل باید دو سویه باشد.

***علیزاده:**

تشکل ها مردمی اصولاً نهادهایی غیردولتی هستند. متأسفانه در جامعه ما تشکل ها نظام مند نیستند و به صورت سنتی عمل می کنند.

این تشکل های سنتی معمولاً ریشه مشکلات را بررسی و حل نمی کنند و در نتیجه بیشتر نقش ظاهری در تقویت سرمایه اجتماعی دارند.

****اکثر تشکل های ما خانوادگی هستند و تخصص گرایی لازم را ندارند**

***کوهی:**

اگر بخواهیم تشکل های مردمی و سمن ها فعال شده و سرمایه اجتماعی را تقویت کنند، باید تخصص گرایی در این حوزه تقویت شود.

متأسفانه اکثر این تشکل‌ها و سمن‌ها خانوادگی هستند و تخصص لازم را در امور اجتماعی و فرهنگی ندارند. یکی از منابع اصلی حضور مردم در فعالیت‌های اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و نظایر آن، همین NGOها هستند. تحقیقات نشان داده است که در جامعه ای که NGOها به معنای واقعی غیردولتی و مردمی هستند، در آن جامعه میزان نشاط و شادی اجتماعی در سطح بالاتری قرار داشته و این امر خود به خود منجر به تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه می‌شود، اما وضعیت تشکل‌های مردمی استانی در حوزه نشاط و شادی اجتماعی و دمیدن امید اجتماعی به افراد کمرنگ بوده و تشکل‌ها در این زمینه فعالیت‌ی نداشته‌اند. به طوریکه در سال 2014 رتبه کشور ایران از نظر شادی و نشاط اجتماعی در دنیا ۱۰۵ بود و در سال 2016 این رقم به ۱۰۶ رسیده است و از نظر میزان شادابی، کشور ایران با کشورهای فقیر آفریقایی تقریباً هم تراز هستیم. این در حالی است که دین اسلام دین صلح، آرامش و نشاط و شادی است. بر همین اساس باید وضعیت نشاط اجتماعی در جامعه اسلامی ایران در سطح مناسبی قرار می‌گرفت که این چنین نشده است.

اجرا و گزارش از: لیلاحسین زاده